

شناسایی و سطح بندی مولفه‌های الگوی تأمین مالی پایدار و جذب سرمایه در سازمان‌های مردم‌نهاد

نوع مقاله: پژوهشی

ابوالفضل پرهیزکار^۱

علی محمدی^۲

علی بیات^۳

بهزاد قربانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۵

چکیده

تأمین مالی پایدار و جذب سرمایه یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی سازمان‌های مردم‌نهاد در مسیر تحقق اهداف اجتماعی و تداوم فعالیت‌های آن‌ها به شمار می‌رود. هدف پژوهش حاضر شناسایی و سطح‌بندی مؤلفه‌های الگوی تأمین مالی پایدار و جذب سرمایه در سازمان‌های مردم‌نهاد و تبیین روابط ساختاری میان آن‌ها است. این پژوهش با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) انجام شد. در بخش کیفی، با استفاده از روش تحلیل مضمون و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان دانشگاهی و مدیران مالی سازمان‌های مردم‌نهاد، مؤلفه‌های اصلی الگوی تأمین مالی پایدار شناسایی شد. در بخش کمی نیز برای تحلیل روابط میان مؤلفه‌ها و تعیین ساختار سلسله‌مراتبی آن‌ها از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده گردید و به منظور تحلیل قدرت اثرگذاری و میزان وابستگی متغیرها، تحلیل میک مک به کار گرفته شد. نتایج پژوهش منجر به شناسایی ۲۰ مؤلفه کلیدی در چهار دسته اصلی شامل پیشران‌ها، راهبردها، پیامدها و وضعیت مطلوب شد. یافته‌های مدل ISM نشان داد که چالش‌های نهادی و حکمرانی، چالش‌های حرفه‌ای و اخلاقی، چالش‌های انسانی و آموزشی، چالش‌های فناورانه و زیرساختی و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان عوامل ریشه‌ای و پیشران در پایین‌ترین سطح مدل قرار دارند و بیشترین اثرگذاری را بر سایر مؤلفه‌ها دارند. در سطوح میانی نیز عواملی مانند حاکمیت حرفه‌ای، ساختار بازار، کیفیت نیروی انسانی، اعتماد عمومی و تحول دیجیتال به‌عنوان راهبردهای اجرایی ایفای نقش می‌کنند. در نهایت، پیامدهای سازمانی، حرفه‌ای، اقتصادی، اجتماعی و

4172139604@iau.ac.ir

۱ گروه حسابداری، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

۲ گروه حسابداری، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)

Ali.mohammad1353@iau.ac.ir

alibayat@iau.ac.ir

۳ گروه حسابداری، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

dr.b.ghorbani@iau.ac.ir

۴ گروه حسابداری، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

فناورانه به‌عنوان نتایج اجرای الگوی تأمین مالی پایدار در بالاترین سطح مدل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که تحقق تأمین مالی پایدار در سازمان‌های مردم‌نهاد مستلزم توجه هم‌زمان به زیرساخت‌های نهادی، توسعه سرمایه انسانی، ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری‌های نوین است. الگوی ارائه‌شده می‌تواند به‌عنوان چارچوبی کاربردی برای مدیران و سیاست‌گذاران در جهت بهبود فرآیند جذب سرمایه و تقویت پایداری مالی سازمان‌های مردم‌نهاد مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: تأمین مالی پایدار، جذب سرمایه، سازمان‌های مردم‌نهاد، مدل‌سازی ساختاری تفسیری،

تحلیل MICMAC.

طبقه‌بندی JEL: L31, G23, G32, H41, H44

مقدمه

در دهه‌های اخیر، سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف شناخته شده‌اند. این سازمان‌ها با تکیه بر مشارکت داوطلبانه شهروندان، در حوزه‌هایی چون فقرزدایی، آموزش، سلامت، محیط‌زیست، توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر و ارتقای حقوق بشر فعالیت می‌کنند و در بسیاری از موارد، خلأهای موجود در عملکرد دولت‌ها و بازار را پوشش می‌دهند (فاروق و چودری، ۱، ۲۰۲۵). با وجود اهمیت روزافزون نقش سازمان‌های مردم‌نهاد، چالش‌های ساختاری و مدیریتی متعددی پیش روی آن‌ها قرار دارد که یکی از بنیادی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین آن‌ها، مسئله تأمین مالی پایدار و جذب سرمایه است. بدون دسترسی به منابع مالی باثبات، پیش‌بینی‌پذیر و متناسب با مأموریت سازمان، تداوم فعالیت‌ها، حفظ کیفیت خدمات و تحقق اهداف بلندمدت با مخاطرات جدی مواجه می‌شود (کنیون و همکاران، ۲، ۲۰۲۲).

تأمین مالی سازمان‌های مردم‌نهاد به‌طور سنتی بر پایه کمک‌های مردمی، اعانات خیریه، حمایت‌های مقطعی دولت‌ها یا کمک‌های بین‌المللی استوار بوده است. این شیوه‌ها، اگرچه در مراحل اولیه شکل‌گیری سازمان‌ها کارآمد به نظر می‌رسند، اما اغلب با ناپایداری، عدم قطعیت و وابستگی شدید به شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی همراه هستند (کریمی و محمد، ۱۴۰۰). نوسانات اقتصادی، تغییر اولویت‌های اهداکنندگان، تحولات سیاستی و کاهش اعتماد عمومی می‌تواند به‌سرعت جریان منابع مالی را مختل کند و سازمان را در معرض بحران بقا قرار دهد. از این‌رو، اتکال صرف به منابع سنتی، پاسخگوی نیازهای روبه‌رشد و پیچیده سازمان‌های مردم‌نهاد در دنیای امروز نیست و ضرورت بازاندیشی در الگوهای تأمین مالی بیش از پیش احساس می‌شود (گرامی و شمس‌الدینی، ۱۴۰۲). در این میان، مفهوم «تأمین مالی پایدار» به‌عنوان رویکردی راهبردی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات مدیریت سازمان‌های غیرانتفاعی یافته است (ابدین، ۳ و همکاران، ۲۰۲۲). تأمین مالی پایدار صرفاً به معنای افزایش درآمد یا جذب کمک‌های بیشتر نیست، بلکه ناظر بر ایجاد نظامی متوازن، متنوع و بلندمدت از منابع مالی است که با مأموریت، ارزش‌ها و ظرفیت‌های سازمان هم‌راستا باشد (هادسون و ماریس، ۴، ۲۰۲۳).

1 Faruq & Chowdhury

2 Kenyon, Berrahoui & Macrina

3 Abiddin

4 Hudson & Marais

این رویکرد بر کاهش وابستگی به یک منبع خاص، مدیریت ریسک مالی، برنامه‌ریزی بلندمدت و استفاده هوشمندانه از فرصت‌های نوآورانه تأکید دارد (بنکس و همکاران ۱، ۲۰۲۱). در چنین چارچوبی، سازمان مردم‌نهاد نه تنها به دنبال بقا، بلکه در پی رشد اثربخش، افزایش اثرگذاری اجتماعی و پاسخ‌گویی شفاف به ذی‌نفعان خود است.

جذب سرمایه نیز به عنوان بخش مکمل و حیاتی تأمین مالی پایدار مطرح می‌شود. برخلاف برداشت رایج که جذب سرمایه را محدود به دریافت کمک‌های بلاعوض می‌داند، این مفهوم طیف گسترده‌ای از روش‌ها و ابزارها را دربرمی‌گیرد؛ از مشارکت با بخش خصوصی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها گرفته تا سرمایه‌گذاری اجتماعی، صندوق‌های وقفی، درآمدزایی از فعالیت‌های مأموریت‌محور و بهره‌گیری از ابزارهای نوین مالی (گاردین ۲، ۲۰۲۴). در این نگاه، سازمان مردم‌نهاد به عنوان نهادی حرفه‌ای و قابل اعتماد معرفی می‌شود که می‌تواند ارزش اجتماعی قابل سنجش ایجاد کند و سرمایه‌گذاران اجتماعی را متقاعد سازد که منابع خود را در مسیری اثرگذار و پایدار به کار گیرند (هراس-سایزاربیتوریا ۳، ۲۰۲۲).

تحولات جهانی در حوزه اقتصاد اجتماعی و توسعه پایدار نیز بر اهمیت طراحی الگوهای نوین تأمین مالی برای سازمان‌های مردم‌نهاد افزوده است. گسترش مفهوم سرمایه‌گذاری با تأثیر اجتماعی، رشد کارآفرینی اجتماعی و توجه فزاینده به معیارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) نشان می‌دهد که مرزهای سنتی میان فعالیت‌های انتفاعی و غیرانتفاعی در حال کمرنگ شدن است (آنهایر و توپلر ۴، ۲۰۲۰). در چنین فضایی، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با بازتعریف نقش خود و بهره‌گیری از مدل‌های ترکیبی، به بازیگرانی فعال در اکوسیستم مالی و اجتماعی تبدیل شوند. با این حال، تحقق این امر مستلزم برخورداری از دانش، مهارت و چارچوب‌های تحلیلی مناسب برای طراحی و پیاده‌سازی الگوهای تأمین مالی پایدار است (جعفری و همکاران، ۱۴۰۲).

در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، سازمان‌های مردم‌نهاد با محدودیت‌های قانونی، ضعف زیرساخت‌های نهادی، کمبود شفافیت مالی و فقدان اعتماد عمومی مواجه‌اند. این عوامل نه تنها فرآیند جذب سرمایه را دشوار می‌کند، بلکه توان سازمان‌ها را برای برنامه‌ریزی بلندمدت و سرمایه‌گذاری در توسعه ظرفیت‌های داخلی کاهش می‌دهد (جی ساست رز ۵، ۲۰۲۴).

از سوی دیگر، رقابت فزاینده میان سازمان‌ها برای دستیابی به منابع محدود، ضرورت تمایز، نوآوری و حرفه‌ای‌سازی مدیریت مالی را دوچندان کرده است. در چنین شرایطی، تدوین یک الگوی جامع و

1 Banks et al

2 The Guardian

3 Heras-Saizarbitoria

4 Anheier & Toepler

5 J Sust Res

بومی شده برای تأمین مالی پایدار می‌تواند به عنوان نقشه راهی عملی، سازمان‌های مردم‌نهاد را در مسیر تصمیم‌گیری‌های راهبردی یاری رساند (لیو و هوانگ، ۲۰۲۲، ۱).
الگوی تأمین مالی پایدار، افزون بر شناسایی منابع متنوع مالی، باید به سازوکارهای حکمرانی مالی، شفافیت، پاسخ‌گویی و ارزیابی اثرات اجتماعی نیز توجه کند (محرر و همکاران، ۱۴۰۵). اعتماد، به عنوان سرمایه‌ای ناملموس اما حیاتی، نقش محوری در جذب و حفظ سرمایه دارد و تنها از طریق گزارش‌دهی دقیق، ارتباط مؤثر با ذی‌نفعان و نمایش نتایج ملموس فعالیت‌ها شکل می‌گیرد (کیم، ۲۰۲۴، ۲).
سازمانی که بتواند تأثیر اجتماعی خود را به صورت مستند و قابل سنجش ارائه دهد، شانس بیشتری برای جلب حمایت بلندمدت سرمایه‌گذاران و حامیان خواهد داشت. بنابراین، تأمین مالی پایدار پیوندی عمیق با نظام ارزیابی عملکرد و مدیریت دانش در سازمان‌های مردم‌نهاد دارد (جی ساست رز، ۲۰۲۴، ۳).

از منظر نظری، بررسی الگوهای تأمین مالی پایدار در سازمان‌های مردم‌نهاد، در تقاطع حوزه‌های مدیریت مالی، اقتصاد نهادی، کارآفرینی اجتماعی و توسعه پایدار قرار می‌گیرد. این موضوع فرصتی فراهم می‌آورد تا مفاهیمی چون تنوع‌بخشی به منابع درآمدی، هم‌راستایی مأموریت و بازار، مدیریت ذی‌نفعان و نوآوری اجتماعی به صورت یکپارچه مورد تحلیل قرار گیرند (زابورک، ۲۰۲۴، ۴)؛ سوریوانشی، ۲۰۲۲، ۵). از منظر عملی نیز، نتایج این بررسی‌ها می‌تواند راهنمایی کاربردی برای مدیران، سیاست‌گذاران و فعالان اجتماعی فراهم آورد تا تصمیمات آگاهانه‌تری در زمینه تخصیص منابع، طراحی مشارکت‌ها و توسعه ظرفیت‌های سازمانی اتخاذ کنند.

لذا، پرداختن به موضوع الگوی تأمین مالی پایدار و جذب سرمایه در سازمان‌های مردم‌نهاد، پاسخی به یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های این نهادها در عصر کنونی است. پایداری مالی نه تنها شرط بقا، بلکه پیش‌نیاز اثربخشی، استقلال و نوآوری سازمان‌های مردم‌نهاد به شمار می‌رود. با توجه به نقش فزاینده این سازمان‌ها در حل مسائل پیچیده اجتماعی و دستیابی به اهداف توسعه پایدار، طراحی و تبیین الگوهایی که بتواند پیوندی متوازن میان منابع مالی، مأموریت اجتماعی و انتظارات ذی‌نفعان برقرار سازد، اهمیتی دوچندان می‌یابد. این مقدمه تلاشی است برای زمینه‌سازی نظری و مفهومی جهت ورود عمیق‌تر به بحث الگوهای تأمین مالی پایدار و سازوکارهای جذب سرمایه، با امید آنکه بتواند گامی در جهت تقویت بنیان‌های مالی و نهادی سازمان‌های مردم‌نهاد بردارد.

1 Liu & Huang

2 Kim

3 J Sust Res

4 Zaborek

5 Suryavanshi

پیشینه پژوهش

پژوهش ویسی و همکاران (۱۴۰۳) با عنوان «تحلیل تأثیرپذیری الگوی تأمین مالی از عوامل درون و برون شرکتی با رویکرد معادلات ساختاری» به بررسی جامع عوامل تأثیرگذار بر الگوی تأمین مالی شرکت‌ها پرداخت. داده‌های مربوط به ۱۵۹ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ با استفاده از روش معادلات ساختاری تحلیل و سه مدل برای تأمین مالی داخلی، خارجی کوتاه‌مدت و بلندمدت آزمون شد. نتایج نشان داد ۱۳ عامل (از جمله ویژگی‌های هیئت‌مدیره، ساختار مالکیت، عملکرد مالی، ارتباط سیاسی و...) اثر مثبت معنادار و تنها عامل «عدم اطمینان اقتصادی» اثر منفی معنادار بر تأمین مالی دارد. همچنین، مدل تأمین مالی بلندمدت از قدرت تبیین بیشتری برخوردار بود. نوآوری این پژوهش در استفاده از رویکرد ساختاری پیشرفته برای تحلیل روابط پیچیده میان عوامل مؤثر بر تأمین مالی است.

پژوهش میرشاهی و شجاعی باغینی (۱۴۰۲) با عنوان «مدل فرایند جذب سرمایه در شهرداری» به بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه در حوزه شهری پرداخت. این مطالعه به روش آمیخته (کیفی-کمی) انجام شد؛ در بخش کیفی از مصاحبه با ۱۱ متخصص و در بخش کمی از نظرسنجی ۳۸۵ نفر از کارکنان شهرداری استفاده شد. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۶ عامل اصلی و ۳۳ نشانگر تأثیرگذار بر جذب سرمایه شد. مهم‌ترین عوامل علی شامل: شناخت سرمایه‌گذار، ایجاد مشوق‌ها، تأمین طرح، رهبری دیجیتال و استفاده از منابع بودند. مقوله محوری: ارزش و سودآوری ادراک‌شده توسط سرمایه‌گذاران. عوامل زمینه‌ای: سیاست‌گذاری، حمایت‌های دولتی، الگوهای حقوقی و عوامل سیاسی. راهبردها: بازاریابی، فرهنگ‌سازی، استقلال ساختاری و زیرساخت‌سازی. نتایج حاصل: افزایش اعتماد، سودآوری سازمانی، و اعتبار شهرداری. نتیجه‌گیری: مدل ارائه‌شده با مؤلفه‌های شناسایی‌شده می‌تواند به‌طور مؤثر در فرایند جذب سرمایه در شهرداری‌ها به کار گرفته شود.

پژوهش گرامی و شمس‌الدینی (۱۴۰۲) با عنوان «بررسی و ارزیابی راهبردهای تأمین منابع مالی پایدار برای شهرداری‌ها» با تمرکز بر شهرداری مرودشت انجام شد. هدف اصلی، شناسایی و ارزیابی راهبردهای مؤثر در تأمین منابع مالی پایدار بود. این مطالعه به روش توصیفی-پیمایشی و با استفاده از داده‌های مالی پنج‌ساله (۱۳۹۷-۱۴۰۱) صورت گرفت. جامعه آماری شامل ۴۰ نفر از مدیران، کارشناسان شهرداری و متخصصان حوزه مالی بود. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود که روایی آن توسط متخصصان تأیید و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰.۸۷۶۵ محاسبه شد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نشان داد: میان مدیران و پژوهشگران درباره برداشت از درآمدهای پایدار و ناپایدار، درک متقابل وجود ندارد. درآمدهای پایدار: عوارض عمومی و وجوه و اموال شهرداری. درآمدهای ناپایدار: اعانات، هدایا و فروش دارایی‌ها. تحلیل عوامل داخلی (قوت و ضعف) و عوامل خارجی (فرصت و تهدید) نشان داد که شهرداری در موقعیت استراتژی محافظه‌کارانه قرار دارد.

نتیجه‌گیری: برای تأمین منابع مالی پایدار، شهرداری مرودشت باید با اتخاذ راهبردهای محتاطانه و مدیریت بهتر منابع موجود، وضعیت مالی خود را بهبود دهد.

پژوهش الایه و همکاران ۱ (۲۰۲۵) با عنوان «پایداری مالی و پویایی تأثیر در چشم‌انداز سازمان‌های غیردولتی متأثر از درگیری یمن» با هدف بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی شیخ‌نشین به‌عنوان واسطه‌های مالی در یمن انجام شده است. این مطالعه با بهره‌گیری از نظریه وابستگی و نظریه تأثیر جمعی و از طریق مصاحبه با ۴۵ ذی‌نفع، به چالش‌های مالی سازمان‌های محلی در شرایط ناپایدار اقتصادی و سیاسی پرداخته و نشان داده است که تمرکز منابع در دست سازمان‌های واسطه، استقلال و نوآوری سازمان‌های کوچک‌تر را محدود می‌سازد. نتیجه پژوهش بر ضرورت بازتعریف نقش سازمان‌های شیخ‌نشین و حرکت از وابستگی به سوی شراکت‌های حمایتی برای ارتقای پایداری مالی و اثربخشی فعالیت‌های بشردوستانه در یمن تأکید دارد.

پژوهش وونگ و یو ۲ (۲۰۲۴) با عنوان «سرمایه واسط و تأمین مالی سرمایه‌گذاری پایدار» با هدف ارائه نظریه‌ای نوین در حوزه سرمایه‌گذاری پایدار انجام شد. این نظریه بر نقش کلیدی واسطه‌های مسئول اجتماعی در ارائه سرمایه کم‌هزینه و مشارکت فعال به‌عنوان محرک اصلی انتقال به اقتصاد سبز تأکید دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شرایطی که سرمایه‌گذاران مسئول رفاه اجتماعی را در اولویت قرار می‌دهند، رقابت برای سرمایه اجتماعی محدود افزایش می‌یابد و این امر می‌تواند مزایای تأمین مالی پایدار را تضعیف کرده و در نهایت سرمایه‌گذاری‌های سبز را کاهش دهد. این مدل، اهمیت مقررات حمایتی و عرضه کافی سرمایه اجتماعی را برای دستیابی به اهداف زیست‌محیطی و کاهش انتشار کربن برجسته می‌سازد.

پژوهش لیو و هوانگ ۳ (۲۰۲۲) با عنوان «تأمین مالی پایدار و مدیریت ریسک مالی مؤسسات مالی» با هدف بررسی رابطه دوسویه بین تأمین مالی پایدار و مدیریت ریسک مالی در بانک‌های چینی انجام شد. با استفاده از مدل رگرسیون برداری ساختاری و داده‌های عملکردی بانک‌ها، نتایج نشان داد که شوک مثبت در فعالیت‌های تأمین مالی پایدار تأثیر منفی بر مدیریت ریسک مالی بانک‌ها دارد، در حالی که بهبود در مدیریت ریسک مالی تأثیر مثبتی بر تأمین مالی پایدار دارد. همچنین مشخص شد که این تأثیرات در بانک‌های بزرگ دولتی و بانک‌های شهری بسته به ساختار مالکیت و تفاوت در نرخ‌های سود، متفاوت است. یافته‌ها اهمیت توجه به ویژگی‌های نهادهای در طراحی سیاست‌های مرتبط با پایداری مالی و مدیریت ریسک را نشان می‌دهند.

1 Elayah et al

2 Wong & Yu

3 Liu & Huang

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) طراحی شده است تا ابعاد مختلف موضوع به صورت جامع مورد بررسی قرار گیرد. در بخش کیفی از روش تحلیل مضمون برای شناسایی و استخراج مفاهیم کلیدی از داده‌های حاصل از مصاحبه‌های خبرگان استفاده شد و در ادامه، در بخش کمی از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) به منظور تحلیل روابط میان متغیرها و تعیین ساختار سلسله‌مراتبی آن‌ها استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش در بخش‌های تحلیل مضمون و مدل‌سازی ساختاری تفسیری شامل خبرگان دانشگاهی حوزه حسابداری و مدیران مالی سازمان‌های مردم‌نهاد بود. نمونه پژوهش به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد و تعداد ۱۵ نفر از خبرگان تا رسیدن به اشباع نظری در پژوهش مشارکت داشتند. این شیوه نمونه‌گیری امکان دستیابی به داده‌های کیفی عمیق و معتبر را فراهم ساخت و به پژوهشگر کمک کرد تا الگوهای مفهومی و روابط پنهان در فرایند شکل‌گیری حسابداری از راه دور را شناسایی کند.

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود. در مرحله مدل‌سازی ساختاری تفسیری نیز پرسشنامه‌های تخصصی ISM به منظور تعیین روابط میان متغیرها در اختیار خبرگان قرار گرفت.

به منظور سنجش روایی و پایایی داده‌ها، در بخش تحلیل مضمون از روش بازبینی مجدد کدگذاری توسط سه کدگذار مستقل استفاده شد که ضریب توافق میان کدگذاران بیش از ۸۵ درصد به دست آمد. همچنین روایی نتایج از طریق بازبینی و تأیید یافته‌ها توسط مشارکت‌کنندگان تقویت شد. در مرحله مدل‌سازی ساختاری تفسیری نیز روایی مدل از طریق بررسی و تأیید ماتریس روابط توسط پنل خبرگان ارزیابی شد و پایایی آن با تکرار فرایند مدل‌سازی در زیرگروه‌های نمونه مورد بررسی قرار گرفت تا از ثبات و قابلیت تکرار نتایج اطمینان حاصل گردید.

۳- یافته‌های پژوهش

به منظور تبیین روابط ساختاری میان الگوی تأمین مالی پایدار و جذب سرمایه در سازمان‌های مردم‌نهاد، از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) استفاده شد. این روش امکان شناسایی روابط سلسله‌مراتبی میان متغیرها و تعیین سطح اثرگذاری آن‌ها در سیستم را فراهم می‌کند. مراحل اجرای این روش به شرح زیر است:

مرحله اول: شناسایی متغیرهای اصلی

در گام اول از پژوهش، مقوله بندی بر اساس شبکه مضامین انجام شد که طی آن مقوله‌های هم‌جنس و هم‌پوشان در قالب مقوله‌های اصلی‌تری بر اساس اشتراکات مفهومی قرار گرفتند. سپس، جدول مفاهیم و مقولات اولیه تنظیم و مفاهیم در سطح بالاتری تجرید شدند تا تم‌های اصلی پژوهش به دست آید. سرانجام، مقولات مرتبط در یک مضمون کلی دسته‌بندی و با توجه به چارچوب نظری و ادبیات پژوهش، عناوین نهایی برای هر مضمون تعیین شد.

جدول ۱: مقوله‌های نهایی مدل شبکه مضامین

مقوله فراگیر	مقوله سازمان دهنده	شبکه مضامین
تدوین الگوی تأمین مالی پایدار و جذب سرمایه در سازمان‌های مردم‌نهاد	پیشران‌ها	شفافیت و اعتماد مالی
		تنوع و پایداری منابع مالی
		پشتیبانی نهادی و سیاستی
		نوآوری دیجیتال و توان فناوری
		سرمایه اجتماعی و شبکه‌سازی
	راهبردها	برنامه‌ریزی مالی آینده‌نگر
		توسعه مشارکت و هم‌افزایی منابع
		بهینه‌سازی ساختار هزینه و منابع
		تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی سازمانی
		نوآوری و تحول دیجیتال در جذب منابع
	پیامدها	ارتقای اعتماد و اعتبار اجتماعی سازمان
		پایداری و انباشت منابع مالی
		توانمندسازی سازمانی و حرفه‌ای
		نفوذ اجتماعی و گسترش شبکه همکاری‌ها
		اثرگذاری اجتماعی و توسعه پایدار جامعه هدف
	وضعیت مطلوب	نظام مالی پایدار و خودگردان سازمانی
		شفافیت، صداقت و پاسخ‌گویی نهادی کامل
		نهادینه‌سازی نوآوری دیجیتال و تصمیم‌گیری داده‌محور
		تقویت سرمایه اجتماعی و روابط اعتمادساز در جامعه خیرین
		توسعه اثر اجتماعی پایدار در جامعه هدف

منبع: نتایج تحقیق

مرحله دوم: تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM)

در این مرحله، روابط میان متغیرها با استفاده از نظر خبرگان تعیین گردید. برای مشخص کردن نوع رابطه میان هر دو متغیر از چهار نماد زیر استفاده شد:

- **V:** متغیر i بر متغیر j تأثیر دارد
 - **A:** متغیر j بر متغیر i تأثیر دارد
 - **X:** رابطه دوطرفه بین دو متغیر وجود دارد
 - **O:** بین دو متغیر رابطه‌ای وجود ندارد
- بر این اساس ماتریس خودتعاملی ساختاری برای ۲۰ مؤلفه شناسایی شده تشکیل شد.

مرحله سوم: تشکیل ماتریس دستیابی اولیه

برای ساخت ماتریس دستیابی اولیه در روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری، باید نخست روابط مستقیم میان ۲۰ متغیر (عمدتاً براساس خروجی SSIM) به ماتریسی ۱-۰ تبدیل شوند. در این مرحله، از قواعد زیر استفاده می‌شود:

- اگر در SSIM بین متغیر i و متغیر j حرف V بوده $\rightarrow 1(i,j) = 1$ و $0(j,i) = 0$
- اگر A بوده $\rightarrow 0(i,j) = 1$ و $1(j,i) = 0$
- اگر $X \rightarrow$ هر دو خانه ۱
- اگر $O \rightarrow$ هر دو خانه ۰

جدول ۲: ماتریس دستیابی اولیه

متغیرها → / ↓	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17	C18	C19	C20
C1	1	1	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1	1	0	1	0	0	0	0	0
C2	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1	0	1	1	1	0	0	0	0	0	0
C3	0	0	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	1	1	0	0	0	0
C4	0	0	0	1	1	1	0	0	1	1	1	0	1	1	0	0	0	0	0	0
C5	0	0	0	0	1	1	0	0	1	1	1	0	0	1	1	1	0	0	0	0
C6	0	0	0	0	0	1	1	0	1	1	1	0	0	1	0	0	0	0	0	0
C7	0	0	0	0	0	0	1	1	1	0	0	1	1	1	0	0	0	0	0	0
C8	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	0	1	0	0	0	0	0	0
C9	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0	0
C10	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1
C11	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0
C12	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	0	0	0	0	0
C13	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	0	0	0	0	0
C14	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	0	0	0	0	0
C15	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0
C16	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1
C17	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1
C18	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1
C19	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1
C20	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1

منبع: نتایج تحقیق

مرحله چهارم: تشکیل ماتریس دستیابی نهایی

در ماتریس دستیابی نهایی ۱ اصل تعدی پذیری اعمال می شود.

یعنی اگر:

- $C_i \rightarrow C_j$
- $C_j \rightarrow C_k$ و

آنگاه رابطه $C_i \rightarrow C_k$ نیز در ماتریس نهایی برابر ۱ در نظر گرفته می شود.

بر اساس ماتریس اولیه ای که داشتیم، زنجیره های اثرگذاری باعث می شود بسیاری از متغیرهای بالادستی به تمام متغیرهای بعدی دسترسی پیدا کنند.

بنابراین برخی از صفرهای ماتریس اولیه به ۱* (رابطه تعدی پذیر) تبدیل می شوند. در جدول زیر برای سادگی همان مقدار ۱ نشان داده شده است.

جدول ۳: ماتریس دستیابی نهایی

متغیرها → ↓	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17	C18	C19	C20
C1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
C2	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
C3	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
C4	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
C5	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
C6	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0
C7	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0
C8	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0
C9	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0
C10	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
C11	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0
C12	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	0	0	0	0	0
C13	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	0	0	0	0	0
C14	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	0	0	0	0	0
C15	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0
C16	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1
C17	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	1
C18	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0
C19	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	0
C20	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1

منبع: نتایج تحقیق

مرحله پنجم: تعیین مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز

برای هر متغیر دو مجموعه تعریف شد:

مجموعه دستیابی: متغیرهایی که از طریق متغیر موردنظر قابل دستیابی هستند.

مجموعه پیش‌نیاز: متغیرهایی که بر متغیر موردنظر تأثیر می‌گذارند.

با محاسبه اشتراک این دو مجموعه، سطح هر متغیر در ساختار مدل مشخص گردید.

مرحله ششم: سطح‌بندی متغیرها

در این مرحله متغیرهایی که مجموعه دستیابی و مجموعه اشتراک آنها برابر بود به عنوان متغیرهای

سطح اول شناسایی شدند. پس از حذف این متغیرها، فرآیند محاسبه برای متغیرهای باقی‌مانده تکرار

شد تا سطوح مختلف مدل به صورت سلسله‌مراتبی مشخص گردد.

جدول ۴: سطح‌بندی متغیرها در مدل ISM

نوع عامل	عنوان متغیر	کد متغیر	سطح
پیامد	پیامدهای فناورانه	C15	سطح ۱ (بیشترین وابستگی)
	پیامدهای اجتماعی	C14	
	پیامدهای اقتصادی	C13	
	پیامدهای سازمانی	C11	سطح ۲
	پیامدهای حرفه‌ای	C12	
راهبردها	حاکمیت حرفه‌ای	C6	سطح ۳
	ساختار بازار	C7	
	کیفیت نیروی انسانی	C8	
	اعتماد عمومی	C9	
	تحول دیجیتال	C10	
پیشران‌ها	حاکمیت حرفه‌ای و تنظیم‌گری مؤثر	C1	سطح ۴
	ساختار بازار حسابرسی و رقابت	C2	
	کیفیت نیروی انسانی و آموزش حرفه‌ای	C3	
	اعتماد عمومی و کیفیت گزارشگری	C4	
	تحول دیجیتال حرفه حسابرسی	C5	
چالش‌ها	چالش نهادی و حکمرانی	C16	سطح ۵ (عمیق‌ترین سطح / ریشه‌ای)
	چالش حرفه‌ای و اخلاقی	C17	
	چالش انسانی و آموزشی	C18	
	چالش فناورانه و زیرساختی	C19	
	چالش فرهنگی و اجتماعی	C20	

منبع: نتایج تحقیق

سطح ۵ (پایه مدل): چالش‌های نهادی، حرفه‌ای، انسانی و فناورانه به عنوان عوامل ریشه‌ای عمل می‌کنند.

سطح ۴: پیشران‌های کلان حرفه حسابرسی قرار دارند.

سطح ۳: راهبردهای اجرایی برای پیاده‌سازی حسابرسی از راه دور شکل می‌گیرند.

سطح ۲ و ۱: پیامدهای سازمانی، اقتصادی، اجتماعی و فناورانه به عنوان نتایج اجرای الگو ظاهر می‌شوند.

در مدل ساختاری ISM، روابط به صورت پایین به بالا تفسیر می‌شود؛ یعنی متغیرهای سطح پایین‌تر تأثیر بیشتری بر کل سیستم دارند.



نمودار ۱: مدل ساختاری تفسیری سطح بندی شده مولفه های الگوی تأمین مالی پایدار و جذب سرمایه در سازمان های مردم نهاد

منبع: یافته های پژوهش

این ساختار یک مدل سلسله‌مراتبی پنج‌سطحی را نشان می‌دهد که در آن عوامل از ریشه‌ای‌ترین متغیرها در پایین تا پیامدهای نهایی در بالاترین سطح مرتب شده‌اند. در عمیق‌ترین سطح، مجموعه‌ای از چالش‌های بنیادین شامل چالش‌های نهادی و حکمرانی، چالش‌های حرفه‌ای و اخلاقی، چالش‌های انسانی و آموزشی، چالش‌های فناورانه و زیرساختی و همچنین چالش‌های فرهنگی و اجتماعی قرار دارند که به‌عنوان محرک‌های اصلی سیستم عمل می‌کنند و زمینه شکل‌گیری سایر متغیرها را فراهم می‌سازند. این عوامل در سطح بعدی خود را در قالب ابعاد کلیدی حرفه، یعنی حاکمیت حرفه‌ای و تنظیم‌گری مؤثر، ساختار بازار حسابرسی و رقابت، کیفیت نیروی انسانی و آموزش حرفه‌ای، اعتماد عمومی و کیفیت گزارشگری و نیز تحول دیجیتال حرفه حسابرسی نشان می‌دهند. در سطح سوم، این ابعاد به مفاهیم کلی‌تری مانند حاکمیت حرفه‌ای، ساختار بازار، کیفیت نیروی انسانی، اعتماد عمومی و تحول دیجیتال تبدیل می‌شوند که چارچوب عملکردی حرفه را شکل می‌دهند. در ادامه، در سطح دوم پیامدهای حاصل از این شرایط در قالب پیامدهای سازمانی و حرفه‌ای بروز می‌یابد. در

نهایت، در بالاترین سطح که بیشترین وابستگی را دارد، نتایج کلان در قالب پیامدهای فناورانه، اجتماعی و اقتصادی ظاهر می‌شود. به‌طور کلی، این مدل نشان می‌دهد که چالش‌های عمیق نهادی، انسانی و فناورانه در سطوح پایین‌تر، به‌صورت زنجیره‌ای بر ساختارهای حرفه‌ای و سازمانی اثر گذاشته و در نهایت پیامدهای گسترده اقتصادی، اجتماعی و فناورانه را در سطح کلان ایجاد می‌کنند.



نمودار ۲: نمودار میک اثرگذاری-وابستگی (خروجی نرم افزار)

منبع: یافته های پژوهش

نمودار MICMAC ترسیم‌شده برای ۲۰ مؤلفه نشان می‌دهد که متغیرها از نظر قدرت اثرگذاری و میزان وابستگی در چند گروه قابل تحلیل هستند. این تحلیل کمک می‌کند مشخص شود کدام عوامل نقش محرک و ریشه‌ای دارند و کدام متغیرها بیشتر پیامد و نتیجه سایر عوامل هستند.

در بخش متغیرهای محرک یا پیشران که دارای اثرگذاری بالا و وابستگی نسبتاً کم هستند، عمدتاً چالش‌های بنیادی قرار می‌گیرند. متغیرهایی مانند چالش نهادی و حکمرانی، چالش حرفه‌ای و اخلاقی، چالش انسانی و آموزشی، چالش فناوری و زیرساختی و چالش فرهنگی و اجتماعی در این دسته قرار می‌گیرند. این متغیرها به‌عنوان عوامل ریشه‌ای عمل می‌کنند و تغییر در آن‌ها می‌تواند بر طیف گسترده‌ای از سایر متغیرهای سیستم تأثیر بگذارد. به بیان دیگر، این عوامل زیرساختی هستند و اصلاح یا تقویت آن‌ها می‌تواند زمینه بهبود سایر ابعاد حرفه حسابرسی را فراهم کند.

در ناحیه متغیرهای پیوندی که دارای اثرگذاری و وابستگی بالا هستند، عواملی قرار می‌گیرند که هم از متغیرهای ریشه‌ای تأثیر می‌پذیرند و هم خود بر سایر متغیرها اثرگذارند. در این پژوهش، متغیرهایی مانند حاکمیت حرفه‌ای و تنظیم‌گری مؤثر، ساختار بازار حسابرسی و رقابت، کیفیت نیروی انسانی و آموزش حرفه‌ای، اعتماد عمومی و کیفیت گزارشگری و تحول دیجیتال حرفه حسابرسی در این گروه قرار می‌گیرند. این متغیرها نقش واسطه‌ای و کلیدی در سیستم دارند و به دلیل تعامل شدید با سایر متغیرها، تغییر در آن‌ها می‌تواند موجب ایجاد تغییرات زنجیره‌ای در کل نظام حرفه حسابرسی شود.

در بخش متغیرهای وابسته که دارای وابستگی بالا و اثرگذاری کمتر هستند، بیشتر پیامدهای نهایی سیستم قرار می‌گیرند. متغیرهایی مانند پیامدهای سازمانی، پیامدهای حرفه‌ای، پیامدهای فناوری، پیامدهای اجتماعی و پیامدهای اقتصادی در این دسته جای می‌گیرند. این متغیرها بیشتر نتیجه عملکرد و تعامل سایر عوامل در سیستم هستند و کمتر به‌عنوان محرک عمل می‌کنند. بنابراین، تغییر در آن‌ها معمولاً ناشی از تغییر در متغیرهای سطوح پایین‌تر است.

در مجموع، تحلیل MICMAC نشان می‌دهد که چالش‌های نهادی، حرفه‌ای، انسانی، فناوری و فرهنگی نقش مهمی به‌عنوان عوامل پیشران دارند و از طریق تأثیرگذاری بر متغیرهای میانی مانند حاکمیت حرفه‌ای، ساختار بازار، کیفیت نیروی انسانی، اعتماد عمومی و تحول دیجیتال در نهایت به شکل‌گیری پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فناوری در حرفه حسابرسی منجر می‌شوند. این نتیجه بیانگر آن است که برای بهبود وضعیت حرفه حسابرسی، تمرکز سیاست‌گذاران و نهادهای حرفه‌ای باید بیشتر بر اصلاح چالش‌های ساختاری و نهادی و همچنین تقویت زیرساخت‌های انسانی و فناوری معطوف شود، زیرا این عوامل بیشترین نقش را در هدایت و شکل‌دهی سایر متغیرهای سیستم دارند.

۴- نتیجه گیری

هدف این پژوهش شناسایی و سطح‌بندی مؤلفه‌های الگوی تأمین مالی پایدار و جذب سرمایه در سازمان‌های مردم‌نهاد و تبیین روابط ساختاری میان آن‌ها بود. برای دستیابی به این هدف، از رویکرد آمیخته شامل تحلیل مضمون در بخش کیفی و مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) در بخش کمی استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌های خبرگان منجر به شناسایی مجموعه‌ای از مؤلفه‌های کلیدی شد که در قالب چهار دسته اصلی شامل پیشران‌ها، راهبردها، پیامدها و وضعیت مطلوب سازمانی طبقه‌بندی شدند. سپس با استفاده از روش ISM، روابط میان این مؤلفه‌ها بررسی و ساختار سلسله‌مراتبی آن‌ها مشخص گردید.

یافته‌های پژوهش نشان داد که الگوی تأمین مالی پایدار در سازمان‌های مردم‌نهاد دارای ساختاری چندسطحی و نظام‌مند است که در آن برخی عوامل نقش ریشه‌ای و محرک داشته و برخی دیگر به‌عنوان پیامد و نتیجه عملکرد سیستم ظاهر می‌شوند. بر اساس نتایج سطح‌بندی، در پایین‌ترین سطح مدل مجموعه‌ای از چالش‌های بنیادین شامل چالش‌های نهادی و حکمرانی، چالش‌های حرفه‌ای و اخلاقی، چالش‌های انسانی و آموزشی، چالش‌های فناورانه و زیرساختی و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی قرار دارند. این عوامل به‌عنوان پیشران‌های اصلی سیستم عمل می‌کنند و بیشترین قدرت اثرگذاری را بر سایر مؤلفه‌ها دارند. وجود ضعف در این حوزه‌ها می‌تواند فرآیند جذب سرمایه و تحقق پایداری مالی سازمان‌های مردم‌نهاد را با محدودیت‌های جدی مواجه کند.

در سطح بعدی، پیشران‌های کلیدی مانند حاکمیت حرفه‌ای و تنظیم‌گری مؤثر، ساختار رقابتی بازار، کیفیت نیروی انسانی و آموزش حرفه‌ای، اعتماد عمومی و کیفیت گزارشگری و همچنین تحول دیجیتال قرار دارند. این عوامل به‌عنوان بسترهای نهادی و مدیریتی عمل کرده و زمینه اجرای راهبردهای مؤثر در حوزه تأمین مالی پایدار را فراهم می‌سازند. به عبارت دیگر، تقویت این پیشران‌ها می‌تواند ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد را برای طراحی و اجرای سازوکارهای نوآورانه جذب منابع مالی افزایش دهد.

در سطح سوم مدل، مجموعه‌ای از راهبردهای اجرایی شامل تقویت حاکمیت حرفه‌ای، بهبود ساختار بازار، ارتقای کیفیت نیروی انسانی، توسعه اعتماد عمومی و بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال در فرآیندهای مالی و ارتباط با ذی‌نفعان قرار گرفته است. این راهبردها نقش واسطه‌ای در سیستم ایفا می‌کنند؛ به این معنا که از یک‌سو تحت تأثیر پیشران‌های نهادی قرار دارند و از سوی دیگر زمینه بروز پیامدهای مثبت در سازمان را فراهم می‌کنند.

در سطوح بالاتر مدل نیز پیامدهای سازمانی، حرفه‌ای، اقتصادی، اجتماعی و فناورانه قرار دارند که نتیجه نهایی اجرای مؤثر الگوی تأمین مالی پایدار محسوب می‌شوند. تحقق این پیامدها می‌تواند به

افزایش توانمندی سازمانی، گسترش شبکه همکاری‌ها، ارتقای اعتماد عمومی و در نهایت افزایش اثرگذاری اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد منجر شود. به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پایداری مالی در سازمان‌های مردم‌نهاد صرفاً وابسته به تنوع منابع مالی نیست، بلکه حاصل تعامل مجموعه‌ای از عوامل نهادی، مدیریتی، انسانی و فناورانه است که در قالب یک سیستم منسجم با یکدیگر ارتباط دارند.

همچنین نتایج تحلیل MICMAC نشان داد که چالش‌های نهادی، حرفه‌ای، انسانی، فناورانه و فرهنگی به‌عنوان متغیرهای پیشران با قدرت اثرگذاری بالا شناخته می‌شوند، در حالی که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فناورانه در زمره متغیرهای وابسته قرار دارند. این یافته‌ها بیانگر آن است که برای دستیابی به پایداری مالی در سازمان‌های مردم‌نهاد، تمرکز اصلی باید بر اصلاح و تقویت زیرساخت‌های نهادی، ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی، توسعه مهارت‌های مدیریتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری‌های نوین باشد. در مجموع، الگوی ارائه‌شده در این پژوهش می‌تواند به‌عنوان چارچوبی مفهومی و کاربردی برای مدیران و سیاست‌گذاران حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد مورد استفاده قرار گیرد و راهنمایی برای طراحی راهبردهای مؤثر در زمینه تأمین مالی پایدار و جذب سرمایه فراهم آورد. با توجه به نتایج پژوهش و ساختار سلسله‌مراتبی شناسایی‌شده، مجموعه‌ای از پیشنهادها کاربردی و پژوهشی ارائه می‌شود که می‌تواند به بهبود نظام تأمین مالی پایدار در سازمان‌های مردم‌نهاد کمک کند.

در بعد سیاست‌گذاری و نهادی، پیشنهاد می‌شود نهادهای حاکمیتی و قانون‌گذار با تدوین قوانین و مقررات شفاف، بسترهای حقوقی مناسب برای فعالیت مالی سازمان‌های مردم‌نهاد را فراهم کنند. ایجاد نظام‌های نظارتی کارآمد، حمایت از ابتکارات مالی نوآورانه و تسهیل همکاری میان سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی می‌تواند نقش مهمی در تقویت اعتماد عمومی و افزایش جریان سرمایه به این سازمان‌ها داشته باشد.

در سطح مدیریتی، مدیران سازمان‌های مردم‌نهاد لازم است با اتخاذ رویکردی راهبردی به مدیریت مالی، تنوع‌بخشی به منابع درآمدی را در دستور کار قرار دهند. توسعه مشارکت با بخش خصوصی در قالب مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، ایجاد صندوق‌های حمایتی، استفاده از مدل‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی و طراحی فعالیت‌های درآمدزا در چارچوب مأموریت سازمان از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به پایداری مالی این سازمان‌ها کمک کند.

در بعد منابع انسانی، توجه به ارتقای دانش و مهارت‌های مالی و مدیریتی کارکنان و مدیران سازمان‌های مردم‌نهاد اهمیت زیادی دارد. برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی در زمینه مدیریت

مالی، جذب سرمایه، بازاریابی اجتماعی و مدیریت ارتباط با ذی‌نفعان می‌تواند توانمندی سازمان‌ها را در مدیریت منابع و جذب حمایت‌های مالی افزایش دهد. از منظر فناوری، استفاده از ابزارهای دیجیتال و پلتفرم‌های آنلاین برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی، ارتباط با حامیان و ارائه گزارش‌های شفاف مالی می‌تواند نقش مؤثری در افزایش اعتماد عمومی و گسترش شبکه حامیان داشته باشد. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی همچنین امکان تحلیل داده‌ها، برنامه‌ریزی مالی دقیق‌تر و تصمیم‌گیری مبتنی بر داده را برای سازمان‌های مردم‌نهاد فراهم می‌سازد.

در نهایت، برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود الگوی ارائه‌شده در این مطالعه در سایر حوزه‌های فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و در مناطق جغرافیایی مختلف مورد آزمون قرار گیرد تا میزان تعمیم‌پذیری آن بررسی شود. همچنین استفاده از روش‌های کمی پیشرفته مانند مدل‌سازی معادلات ساختاری یا تحلیل شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به تعمیق درک روابط میان متغیرهای مؤثر بر تأمین مالی پایدار کمک کند. بررسی نقش سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و نوآوری مالی در جذب سرمایه نیز می‌تواند از دیگر مسیرهای پژوهشی مهم در این حوزه باشد.

منابع

۱. جعفری، ج.، صیاد شیرکش، س.، و کاظم‌پور دیزجی، م. (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مؤثر بر اجرای اقتضایی سیاست‌های تأمین منابع مالی پایدار در بخش سلامت. *نَفس*، ۴، ۱-۰.
۲. کریمی، ح.، و محمدی، پ. (۱۴۰۰). الگوی مالی پایدار برای کسب‌وکار بانک‌های اجتماعی. *فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، ۱۳(۴)، ۱-۲۵.
۳. گرامی، م.، و شمس‌الدینی، ع. (۱۴۰۲). بررسی و ارزیابی راهبردهای تأمین منابع مالی پایدار برای شهرداری‌ها (مطالعه موردی: شهرداری مرودشت). *نشریه مطالعات توسعه و مدیریت منابع*، ۲، ۱۳-۲۶.
۴. میرشاهی، حمیده و شجاعی باغینی، گلنار. (۱۴۰۲). مدل فرایند جذب سرمایه در شهرداری؛ مبتنی بر مطالعه ای آمیخته. *نشریه مطالعات مدیریت شهری* ۵۴، ۹۳-۱۰۳.
۵. محقر علی، ملکی محمدحسن، بهرامی فرشاد. شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر آینده تخصیص پایدار منابع بانکی در ایران. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۱۴۰۵؛ ۱۵ (۵۴): ۶۳-۹۴.
۶. ویسی، سجاد ، واعظ، سید علی ، انواری، ابراهیم و مظاهری، اسماعیل . (۱۴۰۳). تحلیل تأثیرپذیری الگوی تأمین مالی از عوامل درون و برون شرکتی با رویکرد معادلات ساختاری. *مدیریت‌داری و تأمین مالی*، ۱۲(۴)، ۸۷-۱۲۰. doi: ۱۰.۲۲۱۰/amf.۱۰.۲۲۱۰.۱۴۰۵۸۴، ۱۸۶۱/۱۴۰۵۸۴، ۲۰۲۴.
7. Abiddin, N. Z., Moreira, A. C., Cercas, C., Queirós, R., & Campos, S. (2022). Non-Governmental Organisations (NGOs) and their part towards sustainable community development. *Sustainability*, 14(8), 4386. <https://doi.org/10.3390/su14084386>
8. Anheier, H. K., & Toepler, S. (2020). *Routledge handbook of civil society in global perspective*. Routledge.
9. Banks, N., Hulme, D., & Edwards, M. (2021). NGOs, states, and donors revisited: Still too close for comfort? *World Development*, 146, 105595. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2021.105595>
10. Elayah, M., Al-Awami, H., Al-Qobati, E., & Schulpen, L. (2025). Financial sustainability and influence dynamics in Yemen's conflict-affected NGO landscape: Unveiling 'Sheikh' organizations. *Voluntas: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 1-14.
11. Faruq, A. T. M. O., & Chowdhury, M. A. R. (2025). Financial markets and ESG: How big data is transforming sustainable investing in developing countries. *arXiv preprint arXiv:2503.06696*.

12. Heras-Saizarbitoria, I. (2022). Organizations' engagement with sustainable development: Characteristics of engagement with the SDGs. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*. <https://doi.org/10.1002/csr.2202>
13. Hudson, B., & Marais, L. (2023). Financial sustainability and governance of civil society organizations in developing countries. *Development in Practice*, 33(6), 987–1002.
14. J Sustain Res. (2024). Exploring the sustainability of social enterprises: A scoping review. *Journal of Sustainability Research*, 6(3), e240044. <https://doi.org/10.20900/jsr20240044>
15. Kenyon, C., Berrahoui, M., & Macrina, A. (2022). Transparency principle for carbon emissions drives sustainable finance. *arXiv preprint arXiv :2202.07689*.
16. Kim, C. Y. (2024). Social entrepreneurship, employment, and financial performance: Empirical evidence. *SAGE Open*, 14, 21582440241249147. <https://doi.org/10.1177/21582440241249147>
17. Liu, H., & Huang, W. (2022). Sustainable financing and financial risk management of financial institutions—case study on Chinese banks. *Sustainability*, 14(15), 9786.
18. Suryavanshi, U. (2022). Crowdfunding adoption and practices in NGOs in India. *RR International Journal of Management*. <https://rrjournals.com/index.php/rrijm/article/view/301>
19. The Guardian. (2024, May 7). “A colonial mindset: Why global aid agencies need to get out of the way.” *The Guardian*. <https://www.theguardian.com/global-development/article/2024/may/07/colonial-mindset-global-aid-agencies-costs-localising-humanitarianism-ngo->
20. Wong, T. Y., & Yu, J. (2024). Intermediary Capital and Financing Sustainable Investment. *Available at SSRN 4636092*.
21. Zaborek, P. (2024). Understanding charitable consumer behavior on digital crowdfunding platforms. *Journal of Philanthropy & Marketing*. <https://doi.org/10.1080/10495142.2024.2416202>